

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پگاهی در نیمه شب

برآمدن جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران

(جلد اول)

www.ketab.ir

علی برزگر

سرشناسه:	برزگر، علی، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور:	پگاهی در نیمه شب: برآمدن جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران/ علیبرزگر.
مشخصات نشر:	تهران: فرهنگ صبا، ۱۴۰۰-
مشخصات ظاهری:	ج.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۶-۹۷-۳ ج. ۱: ۰۶-۷۹۹۱-۶۲۲-۹۷۸ ج. ۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه.
عنوان دیگر:	برآمدن جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران.
موضوع:	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.
	Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909
موضوع:	جمعیت نهضت ملی ایران
موضوع:	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. -- علل و منشاء
	Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909 -- Causes
	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. -- جنبش‌ها و قیام‌ها
	Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 -- *Protest movements
	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ۱۳۳۲-۱۳۲۰
	Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1953
رده‌بندی کنگره:	DSR۱۴۰۷
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۵
شماره کتابشناسی ملی:	۸۵۶۷۴۰۹



■ پگاهی در نیمه شب ■

برآمدن جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران

(جلد اول)

■ نویسنده: علیبرزگر

■ طراح جلد: مریم سادات فاطمی ■ چاپ و صحافی: بهراد ■ صفحه‌آرا: سمیه نوروزی

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۶-۹۷-۳ ■ شابک دوره: ۹۸-۰۰-۶۲۳۶-۶۲۲-۹۷۸

■ چاپ اول: ۱۴۰۰ ■ شمارگان: ۲۰۰ نسخه ■ قیمت: جلد شومیز: ۲۸۰۰۰۰ تومان، جلد سخت: ۳۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

۵	 سرآغاز
۱۷	 فصل اول ایران: در چنگ قدرتهای جهانی
۳۷	 فصل دوم: میراث جنبش مشروطه
۱۹۹	 فصل سوم: روزگار آشوب و ستم
۲۸۹	 فصل چهارم: جامعه ایرانی
۳۲۱	 فصل پنجم: پایگاههای قدرت
۳۸۷	 فصل ششم: میراث سوسیال دموکراسی
۴۵۱	 فصل هفتم: پایگاههای مدنی
۵۷۱	 فصل هشتم: ایران و قدرتهای جهانی
۶۶۷	 فصل نهم: دولتهای ناپایدار
۷۵۹	 فصل دهم: ابری از شمال
۷۹۹	 فصل یازدهم: دولت دوم قوام
۸۵۳	 فصل دوازدهم: بازسازی بنیانهای استبداد
۸۸۷	 فصل سیزدهم: بنیان‌گذاری جبهه ملی
۹۶۱	 نمایه
۹۷۹	 پانویس‌ها

سر آغاز

هویت هر ملتی دانسته‌های او از گذشته خویش است. از این‌رو، برای ما که ملتی قدیمی هستیم تاریخ اهمیت بیشتری دارد. سرزمین ایران با قرار داشتن میان آسیا، اروپا و آفریقا گذرگاه بزرگترین مهاجرت‌های تاریخ جهان بوده است. فلات ایران سرزمین کم‌آبی میان شبه‌قاره هند با رودخانه‌های پرآب و سرزمین میان رودان است. در دوران تاریخی ایران مرکزی دارای دشتهای حاصل‌خیز و رودخانه‌های پرآبی نبوده که زیربنای کشاورزی پررونقی باشد. بارندگی همیشه ناچین بوده و فلات ایران را کوه‌های سر به فلک کشیده و بیابانهای خشک پوشانده است. نیاکان ما با هوشمندی و سخت‌کوشی میان کوه‌ها و دشتهای خشک قنات را برآورده و آب ناچیز زمین را در دره‌های تنگ و دشتهای خشک روان کرده‌اند تا کشاورزی، دامپروری و باغداری را سامان دهند. برای درمان خشکی طبیعت آنان روشهای کشت با آب کم را آفریدند. اما ایران با همین کشاورزی ناچیز و لرزان هم همواره هدف تاخت و تاز اقوام بیابانگرد بوده است. در دوران باستان حکومت در ایران از آن خاندانی چند بود که در پیوند با هم بر ایران حکومت می‌کردند. اما هزار و پانصد سال گذشته دوران حکومت اقوام جنگاور بر این سرزمین است که آخرین آنها دودمان قاجار بود. یورشهای پی‌درپی اقوام اجازه یکجانشینی و انباشت سرمایه را نداد و اندک سرمایه‌ای هم که بود به یغمای آنها رفت. این است که با داشتن تاریخ چند هزار ساله بناهای کهن کمتری داریم و سنگ‌نبشته داریوش شاه که در آن او از اهورا مزدا خواسته بود ایران را از خشکسالی، دشمن و دروغ‌ایمن بدارد آن اندازه پر معناست. از این‌رو، تاریخ ما به گونه‌ای برآمده از جغرافیای ماست. جنگ پدیده‌ای است که در تاریخ چند هزار ساله مان پیوسته با آن روبرو بوده‌ایم و بسیاری از تغییرهای سیاسی را جنگ‌ها برای ما رقم زده‌اند. ما در برابر اقوام بیگانه پایداری کرده‌ایم و با گذشت زمان آنها شیوه زندگی و فرهنگ ما را پذیرفته و هم‌رنگ ما شده‌اند. حتی اسکندر مقدونی هم که از یونان به ایران لشگر کشید شیفته فرهنگ و سبک

زندگی ایرانی شد. ما در سرشت مردمان جنگاوری نبوده ایم. زندگی و فرهنگ ما برآمده از جنگ، نا امنی، سخت کوشی، قناعت و بردباری است.

آئین کشورداری که در دوران داریوش اول هخامنشی پدید آمد امپراتوریهای بزرگ هخامنشی، اشکانی و ساسانی را در پهنه جهان آن روز اداره کرد. این آئین در دوران چیرگی اقوام بیگانه نیز سپر بلای ایرانیان بود. وزیران و دبیران دانشمند ایرانی در کنار جهان گشایان کشور را اداره می کردند و مردم را از گزند آنان ایمن می داشتند. آنان در قامت برمکیان، که تبارشان از گردانندگان معبد نوبهار در بلخ بود، عباسیان را به حکومت رساندند و آئین کشورداری آموختند. برمکیان با پدید آوردن نهضت ترجمه، بخش مهمی از آثار ادبی و علمی ایرانی، هندی و حتی یونانی را به عربی ترجمه کردند و آنها را از گزند روزگار ایمن داشتند و خدمت بزرگی به فرهنگ جهانی کردند. همراه با گسترش آئین کشورداری یک نظم دیوانی و زمینه فرهنگی نیز پدید آمد که جهانی شد و زبان و ادبیات آن در دربارهای جهان آن روز به کار آمد. از آن رو این زبان را دری نیز خوانده اند. زبان فارسی و ادبیات آن برای پادشاهان جهان مایه اعتبار شد. پور سینا و رودکی هر دو در دربار سامانیان پناه گرفتند. این زبان زیر بنای فرهنگی، دیوانی و ادبی شد که در سراسر جهان خواستار داشت. بسیاری از دانشمندان، ادیبان و عارفان توانستند در پناه این فرهنگ دیوانی به آفریدن آثار علمی، ادبی و فلسفی بپردازند. فارسی زبان رسمی و پیوند میان بسیاری از اقوام و دربارهای بزرگ جهان شده بود. در قرن شانزدهم میلادی هر چند از نگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران قدرتی جهانی نبود، اما از دربار عثمانی در اسلامبول تا دربار پادشاهی در بنگال همه شاعران پارسی گوی داشتند. فرهنگ ایرانی اقوام تند جو را در خود حل کرد و به گونه ای جهانی شد. این که برخی از "فارسی"، به عنوان زبان یک قوم سخن می گویند درست نیست. هر چند زبان فارسی در خانواده زبانهای هند و اروپائی جایگاهی دارد، اما در فلات ایران و دیگر جاهائی که فارسی زبان دیوانی بود مردم با گویشها، لهجه ها و حتی زبانهای گوناگون سخن می گفتند. تا پنجاه سال پیش نیز مردم بسیاری از شهرها و روستاهای ایران نیز توانا به فهمیدن زبان و لهجه یگدیگر نبودند. این زبان فارسی بود که به عنوان زبان دیوانی و فرهنگی مشگل گشای پیوند میان روستاها، شهرها و ولایات ایران و اقوام گوناگون مهاجم شد. مغولان و ازبکان که در ایران به قتل و غارت می پرداختند در هندوستان فرهنگ ایرانی را گسترانیدند و سبک هندی شعر فارسی را بنیان نهادند و شعر چون شکر حافظ تا بنگاله رفت و خانواده های بنگالی نامهای ایرانی بر فرزندان خود نهادند. این گونه بود که فرهنگ ما

با فرهنگهای دور و نزدیک جهان در هم آمیخت. دیوان نه تنها کانون تدبیر و تصمیم‌گیری درباره مسائل مملکت بود بلکه کانون سیاست، فرهنگ، ادبیات و شعور انسانی نیز بود. پادشاهانی پیروز بودند که وزیرانی خردمند و دانشمند داشتند. انوشیروان ساسانی، ملک شاه سلجوقی و هلاکوخان مغول اگر پیروزیهای داشتند آن را مرهون بزرگمهر حکیم، خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیر طوسی بودند. اما دربار برای دیوانیان جای خطرناکی نیز بود. آنان که در پناه خشنودی شاه زندگی می‌کردند از خشم او ایمن نبودند و به یک دم جان خود را از دست می‌دادند.

در جنگهای ایران و روس (۱۱۸۳ تا ۱۲۰۷ خورشیدی) ارتش روس سپاه ایران را دو شکست بزرگ داد و در دو قرارداد ترکمانچای و گلستان ایران سرزمینهای گرجستان، ارمنستان، جمهوری کنونی آذربایجان در غرب و ترکمنستان و ازبکستان در شرق دریای مازندران را به روسیه واگذارد. این جنگها خرابی بسیاری ببار آورد، ارتش ایران در مانده، اقتصاد ایران ورشکسته، جامعه ایرانی از هم گسسته و پادشاهان بی‌آبرو و بی‌اعتبار شدند. این بار نیز دیوانیان و دبیران بودند که به یاری کشور آمدند و از شکست سخت ایران در برابر روس آن چه می‌توانستند بازیابی کردند. در واکنش به این شکستها بود که جنبش ترقی‌خواهی در ایران پدید آمد که عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه، خاندان قائم مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر، برخی از وزیران و دیوانیان در بنیان‌گذاری آن نقش بزرگی داشتند. اما چون استبداد در ایران ریشه داشت این جنبش دچار فراز و نشیب بسیار شد. از پایان جنگهای ایران و روس در سال ۱۲۰۷ تا سال ۱۲۸۵ که پیروزی جنبش مشروطه بود بسیاری کوشندگان این راه بودند که آزادی را ندیدند. عباس میرزا در جنگ با روس دریافته بود که کاستی سپاه ایران در فناوری است. او که نخستین گروه از جوانان ایران را برای فراگرفتن فنون و ابزار جنگی به اروپا فرستاد به بیماری درگذشت و قائم مقام و میرزا تقی‌خان امیرکبیر که وزیران دانشمندی بودند هر دو به فرمان محمدشاه و فرزندش ناصرالدین شاه کشته شدند. اما پس از امیرکبیر هم مصلحان و روشنگرانی در نظام دیوانی کشور برآمدند که جامعه را دگرگون ساختند. اثربخش‌ترین مصلح و روشنگر دوران ناصری میرزا حسین خان مشیرالدوله، دیپلمات، مدیر، صدر اعظم و سپهسالار ناصرالدین شاه بود. خدمات او در اصلاح عدلیه و قانون‌گذاری و تشویق مدیران به اصلاحات نقش مهمی در آغاز جنبش مشروطه داشت. میرزا یوسف خان مستشارالدوله از کارکنان وزارت خارجه و از پیشروان فکر آزادی و نویسنده رساله معروف "یک کلمه" بود که در شناساندن اهمیت قانون اثر بزرگی

داشت. میرزا ملکم خان ناظم الدوله از یک سو با اندیشه دانشمندان انسان‌گرای اروپا مانند سن سیمون، آگوست کومت، جان استوارت میل و جرمی بنتام آشنا بود و از سوی دیگر با روحانیان بزرگ شیعه چون سید محمد طباطبائی و ملا محمد کاظم آخوند خراسانی پیوند داشت. او اثر بزرگی بر اندیشه ترقی‌خواهی و تدوین قانون اساسی مشروطه گذارد. آقا شیخ هادی نجم‌آبادی شخصیت عرفانی و معنوی بزرگی داشت و بسیاری از کوشندگان آزادی را پناه بود و جنبش مشروطه را بی او نمی‌توان شناخت. میرزا حسن رشديه پیشگام جنبش فرهنگی نوین ایران بود که با نوآوری در آموزش زبان فارسی مدرسه‌های نوین بسیاری را بنیان نهاد و برای آگاهی مردم آسیب بسیاری را به جان خرید. رشديه دین بزرگی بر آموزش و پرورش نوین ایران دارد. سید عبدالحسین لاری، روحانی دزفولی، نیز نقش مهمی در پشتیبانی از جنبش مشروطه در جنوب ایران داشت. محمد امین رسول‌زاده اندیشمند حزب اجتماعيون عاميون در بیان اندیشه‌های سوسیال دموکراسی نقش بزرگی داشت و آگاهانه به گسترش هدفهای مشروطه خدمت کرد.

در میان روحانیان تهران بزرگترین نقش را سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی در روشنگری داشتند که در آغاز به مخالفت با عین الدوله و استبداد برخاستند. روحانی دیگر این دوران شیخ فضل‌الله نوری بود که همراه با میرزای شیرازی در نهضت تنباکو نقش کارسازی داشتند. اما او با مشروطه مخالف بود و به دستور هیاتی که پس از فتح تهران از سوی سرداران تشکیل گردید به دار آویخته شد. ما اندیشه‌های او را نیز در این بررسی آورده‌ایم. اما مرکز مهم روحانیان شیعه که از مشروطه پشتیبانی می‌کرد در نجف بود. برجسته‌ترین عالم در این حوزه ملا محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی است. یاران او شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی نیز از کوشندگان جنبش مشروطه بودند. افزون بر اینها محمد حسین غروی نائینی نیز در نجف بود. اندیشه‌های سیاسی نائینی که در رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله آمده براستی برجسته‌ترین نوشتار از روحانیت شیعه در بیان دموکراسی است. جامعه ایرانی برای همیشه وامدار این روشنگران روحانی است که با پذیرش خطرهای بسیار راه را به سوی دموکراسی گشودند.

در جامعه استبدادزده پایان قاجار، احزاب و انجمنهای سیاسی فضای آزمودن آزادیهای بسیاری را برای ایرانیان فراهم کردند و نقش مهمی در پدید آمدن نهادهای دموکراتیک، قانون اساسی و انتقال قدرت از پادشاه به ملت داشتند. مرکز غیبی، حزب اجتماعيون عاميون، حزب اعتداليون عاميون، جامع آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی از نهادهای مهم در

این زمینه بودند. برخی هم دست به کارهای تروریستی زدند که جنبش مشروطه را به بیراهه کشاند. جنبش زنان ایران در دوران مشروطه را نیز باید به یاد داشت که بزرگترین از این گونه در آسیا بود. مطبوعات هم در جنبش مشروطه نقش بزرگی داشتند. پیش از پیروزی مشروطه چندین روزنامه در خارج از ایران منتشر می‌شد. مهمترین این روزنامه‌ها اختر در استانبول، قانون در لندن، حکمت، ثریا و پرورش در مصر و با سابقه‌ترین و پرتیراژترین روزنامه فارسی زبان هند حبل‌المتین بود که از دوران محمدشاه تا سال ۱۳۰۹ در کلکته و تهران منتشر می‌شد و با این که به فارسی بود اثر سیاسی زیادی در هند داشت. در دوران برآمدن آزادی در ایران در سالهای میان ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ بیش از دویست روزنامه در ایران منتشر می‌شدند که برخی از آنان شهرت فراوان یافتند. روزنامه‌های صور اصرافیل، مساوات، حبل‌المتین و هفته‌نامه ملانصرالدین از این شمار بودند.

در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ با حمله متفقین به ایران، رضا شاه وادار به کناره‌گیری شد و زمینه اندکی برای آزادیهای سیاسی پدید آمد. چون ایران کشوری اشغال شده و در برابر چشم جهانیان بود متفقین به ناچار تا اندازه‌ای حقوق مدنی مردم ایران را پاس می‌داشتند. از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ آزادی خواهان ایران تلاش پی‌گیری برای پدید آوردن دولتی مستقل و ملی در ایران را آغاز کردند. احزاب سیاسی تشکیل شد و انتشار روزنامه‌ها آزاد گردید. در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، که در آن باز هم دولت انگلیس صحنه گردان بود، بریتانیا پذیرفت نمایندگانی از حزب توده از نقاطی که در اشغال نظامیان شوروی بود و چند نماینده از حزب ایران از تهران به مجلس راه یابند، هر چند در این مجلس نیز نیروهای وابسته به انگلیس و دربار اکثریت داشتند. با پدید آمدن مجلس چهاردهم، حتی با محدودیتهای سیاسی، مردم ایران توانستند در کارزاری ملی، با استفاده از امکانات نوین ارتباطی و جامعه‌ای باسوادتر، به گونه فراگیرتری از جنبش مشروطه برای برقراری جامعه‌ای آزاد، مستقل و دموکراتیک بکوشند. این نهضت رهبری آزادی خواه در دکتر محمد مصدق از کوشندگان جنبش مشروطه یافت و تلاش گسترده‌ای را برای ملی کردن صنعت نفت و رهائی از استعمار انگلیس آغاز کرد.

در انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی که در دولت احمد قوام انجام شد، از راه یافتن مصدق و همفکران او به مجلس پیشگیری شد. با تشکیل مجلس موسسان و تغییر قانون اساسی در دادن اختیارات گسترده به شاه در انحلال مجلس، این مجلس توانست نظام سیاسی ایران را به سود شاه سامان دهد. اما در انتخابات دوره شانزدهم مصدق و تنی

چند از شخصیت‌های ملی توانستند به مجلس راه یابند. در این مجلس لایحه الحاقی برای تمدید قرارداد نفت داری مطرح گردید، کمیسیون نفت تشکیل شد و سخن از ملی شدن صنعت نفت آوردند. در شانزدهم اسفند ۱۳۲۹، سپهد رزم‌آرا نخست‌وزیر، که با ملی شدن نفت مخالفت کرده بود، ترور شد. پس از او حسین علاء به نخست‌وزیری رسید. در دوران نخست‌وزیری کوتاه او بود که لایحه ملی شدن صنعت نفت در کمیسیون نفت به ریاست دکتر مصدق و سپس در صحن مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در فروردین ۱۳۳۰ لایحه اجرایی ملی کردن نفت نیز تصویب شد. در آغاز اردیبهشت حسین علاء از نخست‌وزیری کناره گرفت و جمال امامی رئیس اکثریت مجلس، که ملی شدن نفت را خواب و خیالی بیش نمی‌دید، دکتر مصدق را برای نخست‌وزیری نامزد کرد. مصدق پیشنهاد امامی را پذیرفت و نمایندگان مجلس که هنوز از گنجی ترور رزم‌آرا بیرون نیآمده بودند او را به اتفاق آراء به نخست‌وزیری برگزیدند. در این کارزار ایرانیان آزادی خواه برای ملی کردن نفت و آزادی جامعه ایرانی در گروه‌ها و احزاب ملی به رهبری دکتر مصدق به گونه‌ای پی‌گیر کوشیدند و نفت ملی شد. دولت دکتر مصدق بیست و هفت ماه بیشتر دوام تیافت. او در دوران دولت کوتاه خود آزادی برای همه گروه‌ها و احزاب سیاسی موافق و مخالف را فراهم آورد و قوانین پیشرفته‌ای برای بنیان‌گذاری یک جامعه مدرن را به تصویب رساند. در این دولت بود که ندای آزادی خواهی و حق طلبی جامعه مدنی ایران برای نخستین بار در تالارهای جهانی شنیده شد. این نهضت ستایش جهانیان اندیشمند و آزاده را برانگیخت. اما در برابر نهضت ملی توطئه‌های بسیاری از سوی بریتانیا و آمریکا چیده شد تا سازوکارهای دموکراتیک را ناکارآمد ساخته و دولت ملی را براندازند. در کمتر از نیم قرن مردم ایران دوبار همانند پگاهی در نیمه شب استبداد برای آزادی و استقلال درخشیدند و هر دو بار خیزش آنان از سوی قدرتهای جهانی سرکوب گردید. آمریکا و بریتانیا نه تنها آرزوها و امیدهای نسلهای پی‌درپی ایرانیان برای داشتن سرزمینی آزاد و مستقل را بر باد دادند بلکه تاریخ ایران را نیز به گونه‌ای دیگر نوشتند. این ستم نه تنها بر مردم ایران رفت بلکه پس از آن، آنها آزادی خواهی و استقلال طلبی ملتها در جهان را بارها هدف یورش خود قرار دادند که زمین سوخته آن اکنون از شمال آفریقا تا افغانستان دیده می‌شود.

در روز ۲۸ نوامبر ۱۹۴۳، هنگامی که وینستون چرچیل همراه با فرانکلین روزولت و ژوزف استالین برای شرکت در کنفرانس متفقین در تهران بود، یکی از شرکت کنندگان کنفرانس با نگرانی پرسید با مسئولیت سنگینی که ما در این دوران از تاریخ بشر بر دوش داریم، تاریخ

درباره ما چگونه داوری خواهد کرد ؟ چرچیل گفت نگران نباشید، تاریخ با ما مهربان خواهد بود، زیرا ما تاریخ را خواهیم نوشت. هنوز جنگ پابان نیافته بود که روزولت درگذشت. همان گونه که خواهیم آورد، روزولت با سیاستهای استعماری چرچیل مخالف بود و باور داشت که برآمدن هیتلر و جنگ دوم جهانی واکنشی به پافشاری انگلیس و فرانسه در گرفتن غرامت سنگین از آلمان بود که با ورشکستگی پس از جنگ اول جهانی توان پرداخت آن را نداشت. روزولت در کنفرانس آرژانتین منشور آتلانتیک را، در برابر کمک اقتصادی و نظامی به بریتانیا، به تصویب چرچیل رساند و از او تعهد خواست که پس از جنگ همه مستعمرات آزاد شوند. اما پس از پایان جنگ چرچیل چنین نکرد. او شش جلد کتاب درباره جنگ دوم جهانی نوشت. در این کتابها چرچیل آن گونه که می خواست تاریخ دوران جنگ دوم جهانی، پیش از جنگ و پس از آن را از دیدگاه استعماری خویش نوشت و آنچه او نوشت را بسیاری برای سالها به جای واقعیت تاریخ پذیرفتند. در دوران جنگ دوم جهانی و پس از آن شبکه های جهانی خبررسانی چرچیل را ستایش کرده و از او قهرمانی جهانی پرداختند. در حالی که او مبارزه مردم هند برای آزادی، تلاش سیاه پوستان افریقای جنوبی و حتی قیام رنگین پوستان بریتانیا برای برابری نژادی را سرکوب کرده بود. در دوران دولت کارگری بریتانیا به رهبری کلمنت اتلی بود که هندوستان به استقلال دست یافت و به خاطر آن چرچیل هرگز اتلی را نبخشید. از سال ۱۹۴۵ که جنگ پایان یافت، چشم چرچیل به دنبال جایزه صلح نوبل بود. در آن سال نام او در میان هفت نامزد جایزه صلح نوبل قرار داشت. نام ژوزف استالین نیز در میان نامزدان بود ! نامزدی استالین، که میلیونها تن را کشته بود، برای جایزه صلح نوبل نشان از آن داشت که می توان تاریخ را آن چنان دگرگون نوشت تا جنایتکارترین کسان فرشته رحمت به دیده آیند. در آن سال جایزه صلح نوبل نصیب استالین و چرچیل نشد. اما در سال ۱۹۵۳ آکادمی نوبل جایزه خود در رشته ادبیات را به وینستون چرچیل داد. در لوح تقدیر کمیته نوبل از چرچیل نوشته بود : "به خاطر استادی او در شرح تاریخ و نگاشتن زندگینامه و سخنوری درخشان او در دفاع از ارزشهای برجسته انسانی این جایزه به او داده می شود". حال آن که زندگی چرچیل سراسر تلاش برای پایمال کردن حقوق انسانهای بی پناه جهان و مستعمرات بریتانیا بود.

ایران توانسته هزاران سال در فراز و نشیبها و توفانهای تاریخی فرهنگ خود را نگهداشته و به عنوان یک کشور باقی بماند. ایران کشوری با فرهنگی کهن و پرنفوذ در دورانی پراشوب، یا

به عبارت حافظ آن آهوی وحشی در جهان پراز "دد و دام" تاریخ است. اکنون با دانستن تاریخ است که ما مردم می‌توانیم رخت خود از این مهلکه جهانی برون بریم. اما بسیاری از رخدادها و واقعیتهای تلاش نیاکان ما برای استقلال و آزادی در صد سال گذشته از چشم مردم ایران و جهان پنهان مانده و مردم ما برده تاریخ دروغین شده‌اند، در این بررسی برآنیم واقعیتهای جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران را که برای آزادی و استقلال ایران بوده‌اند باز گوئیم و نسل جوان را از ارزندگی تلاشها و از خود گذشتگی نیاکانشان آگاه سازیم. در دو جنبش مشروطه و نهضت ملی انسانهای برجسته‌ای بودند که هدفهای ارجمندی داشتند و همه چیز خود را برای ایران دادند. ما باید به یک آگاهی فرهنگی - تاریخی دست یابیم، بزرگان تاریخ خود را بشناسیم و نام و یاد و آرمانهای آنان را برای نسل کنونی و آیندگان گرمی بداریم. بیگانگان و کارگزاران آنان برای نزدیک به یک قرن کوشیده‌اند تا واقعیت جنبش مشروطه و نهضت ملی را از چشم ایرانیان و تاریخ جهان پنهان سازند. اما ما به دانستن این واقعیتهای برای شناخت تاریخ و هویت خود نیاز داریم. ما باید بدانیم که نسلهای گذشته برای ترقی جامعه ایرانی چه کرده‌اند، با چه دشواریهایی روبرو بوده‌اند و چگونه است که تلاش نسلهای پی‌درپی ایرانی ناکام مانده است.

این که جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران هر یک بگاهی در نیمه شب استبداد بودند یک واقعیت است - هر یک به اندازه پلک زدنی در کابوس چند هزار ساله استبداداند. واقعیت دیگر این است که هر چند استبداد از نگاه سیاسی پیروز شد، این دو جنبش هر یک موهبتی بودند و تاثیر شگرفی بر جامعه ایرانی گذاردند. افزون بر اینها، آنانی که این دو جنبش را پدید آوردند انسانهای استثنائی بودند. آنان آرمانها و اثرهای اجتماعی و فرهنگی از خود گذاشتند تا جامعه ایرانی راه خود را گم نکنند. به گونه‌ای که حتی اینک که بیش از یکصد سال از درگذشت آنان می‌گذرد هنوز هم نوشته‌های آنان مانند یک کلمه میرزا یوسف مستشارالدوله و تنبیه‌الامت و تنزیه‌الملت میرزا محمدحسین نائینی نشانه‌هایی برای ترقی جامعه ایرانی هستند. نقش مهم در تاریخ را انسانهایی دارند که فرهنگ را به وجود می‌آورند، نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را می‌سازند و مسیر سازندگی در تاریخ بر آیندی از آرمانها و تلاشهای آنان است. از این‌رو در این بررسی به شخصیت و نقش این انسانها پرداخته‌ایم - ایرانیان و خارجیانی که در کنار و یا در رویارویی با این دو جنبش بزرگ بودند و به فرجام آن شکل دادند.

برای دست یافتن به واقعیتهای تاریخ ایران در این دوره از کتابها، مقاله‌ها، خاطرات،

مصاحبه‌ها، اسناد و نظر شخصیت‌های تاریخی، گزارش‌های میدانی، اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا، اسناد محرمانه سیا و گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه بریتانیا و دیگر منابع بهره گرفته‌ام. کوشیده‌ام تا آن جا که ممکن است از منابع دست اولی که خود در جریان و یا شاهد رخدادها بوده‌اند - چه ایرانی و چه خارجی - استفاده کنم و بکوشم تا از رخدادها، اسناد و نوشته‌ها به واقعیات تاریخی دست یابم. بسیاری از گزارش‌های خارجی، به ویژه درباره انگیزه و وابستگی سردار اسعد بختیاری و سردار محمد ولیخان تنکابنی که در تیرماه ۱۲۸۷ از جنوب و شمال برای برانداختن حکومت استبدادی محمدعلی شاه به تهران آمدند با هدف توجیه آن به سان یک قیام ملی است. در حالی که چنین نبود و با برنامه‌ریزی انگلیس و روس برای رسیدن به هدفهای قرارداد ۱۹۰۷ بود. در دوران نهضت ملی نیز برخی گزارش‌ها درباره قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، نهم اسفند ۱۳۳۱، ربودن سرتیپ افشارطوس در روز ۳۱ فروردین ۱۳۳۲ و روزهای پایانی مرداد ۱۳۳۲، واقعی نیستند و پس‌مانده روایت‌های ساختگی شبکه برانداز پس از کودتای ۲۸ مرداد برای توجیه آن به عنوان یک رستاخیز ملی هستند. کوشیده‌ام با آوردن گزارش‌های دست اول از کسانی که خود در جریان و گرام این رخدادها بوده‌اند واقعیات آنها را بازتاب دهم. تا آن جا که توانستم شرح واقعیات و رخدادها را از منابع معتبر گوناگون آوردم و اگر درباره رخدادها دویا چند روایت معتبر بود همه را در نظر گرفته‌ام. از شرح‌ها و روایت‌های اغراق‌آمیز پرهیز کردم. در گزارش رخدادها از تاریخ خورشیدی استفاده کرده‌ام و اگر نیاز بود تاریخ قمری یا میلادی را در هلال آورده‌ام. در این زمان که ما بسیاری از اطلاعات را در اختیار داریم باید واقعیات را بنویسیم چون جامعه ایرانی به شناخت تاریخ این دوران که عطفی در زندگی جامعه معاصر است، نیاز دارد و ما آخرین کسان از نسلی هستیم که خاطره‌هایی از دوران نهضت ملی داریم.

این بررسی و ام‌مدار بسیاری است که برخی از آنان درگذشته‌اند. از کسانی که از اندیشه‌های آنان بهره گرفته‌ام نخست باید از دکتر فریدون آدمیت یاد کنم. نوشته‌های آدمیت درباره دوران مشروطه با چیرگی او به تاریخ مشروطه و شخصیت‌های اندیشمند آن دوره و با دسترسی که به اسناد جامع آدمیت داشته، بزرگی جنبش مشروطه را به عنوان یک حرکت سیاسی با آرمانهای مدنی در سطح جهانی نشان می‌دهد. او نشان می‌دهد که ترکیبی از جامع آدمیت، اکثریت مجلس اول مشروطه و سیاستمداری اتابک (در صورت مهار شدن) می‌توانسته است راهی برای بنیان‌گذاری دموکراسی در ایران باشد. خاطرات انور خامه‌ای در دورانی که بیست سال از زندگی او را دربر دارد یادداشت‌های بی‌مانند و دقیقی از جریانهای سیاسی این دوران، سیاست حزب توده در رویارویی با مصدق و نقش جپ دموکراتیک در

نهضت ملی ایران است. کتاب بحران دموکراسی در ایران نوشته دکتر فخرالدین عظیمی نیز شرح فشرده و دقیقی درباره سیاست در این دوران است. باید از کوششهای سرهنگ غلامرضا نجاتی در گردآوری و انتشار اسناد نهضت ملی و کودتای ۲۸ مرداد، خاطرات سرهنگ حسینقلی سررشته و سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی نیز یاد کرد که روشنگر نقش ارتشیان در نهضت ملی بوده اند. از مصاحبه های تاریخ شفاهی دکتر حبیب لاجوردی و بررسی ارزشمندی که او درباره لوایح قانونی که در دولت دوم دکتر محمد مصدق کرده نشان دهنده سمت و سوی مورد نظر او برای ایران است، نیز باید یاد کنم.

جنبش مشروطه و نهضت ملی ایران هر دو پدیده های جهانی هستند. آنها از جریانهای ترقی خواهی در قرنهای هجدهم، نوزدهم و بیستم اروپا بهره گرفته و از دولتهای انگلیس، روسیه و آمریکا آسیب دیده اند. اسناد و مدارک خارجی که در این بررسی از آنها بهره برده شده همان گونه که در پانویسها و منابع آمده اند عبارتند از اسناد وزارت خارجه بریتانیا، اسناد وزارت خارجه آمریکا، گزارشهای محرمانه از جلسات مشترک کارشناسان سیا و سازمان اطلاعات بریتانیا، اسناد کودتا که از سوی سازمان سیا منتشر شده اند و تاریخ سری کودتا نوشته دونالد ویلبر برای سازمان سیا است. افزون بر این، مقاله جیمز رایزن درباره کودتای ۲۸ مرداد که در ۱۶ آوریل سال ۲۰۰۰ در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد. مارک گازیوروسکی، استاد علوم سیاسی دانشگاه ایالتی لوئیزیانا نیز، با پژوهشهای پی گیر خود بیشترین کمک را به آشکار کردن نام ایرانیانی کرده که در کودتا شرکت داشته و جای نام آنان در گزارش سیا در پرانتز خالی گذاشته بود و آن را در نشریه اینترنتی کریپتوم منتشر کرده است. کار دیگر گازیوروسکی پژوهش او درباره خاستگاه شبکه بدمن، چگونگی هدف اصلی تشکیل این شبکه است. آخرین اسناد محرمانه ای که درباره کودتای ۲۸ مرداد انتشار یافت بیست و یک تلگرام در مجلد دهم اسناد ایران در سال ۲۰۱۷ از سوی وزارت خارجه آمریکا است.

این بررسی بدون یاری و تشویق بسیاری کسان میسر نمی بود. در این جا باید از همراهی این بزرگان یاد کنم. در سالهای پایانی دهه ۱۳۶۰ گفتگوهای با ارزشی با مهندس احمد زیرک زاده درباره نهضت ملی و حلقه یاران وفادار مصدق داشتم که روشنگر رخداد های آن دوران بود. باید از گفتگو با طاهر احمدزاده هروی نیز یاد کنم که خاطرات او از سالیان پیش از شهریور ۱۳۲۰ و دهه های بیست، سی و چهل در مشهد آشکارکننده بسیاری از رخدادها به ویژه رویارویی اندیشه های گوناگون سیاسی در مشهد و جایگاه محمدتقی شریعتی و کانون

نشر حقایق اسلامی بود. همراهی فرزندان راجر گویران را باید پاس بدارم که مصاحبه پدرشان و خاطرات خود از او را که تا کنون انتشار نیافته بود با اشتیاق و علاقه در اختیارم گذاشتند. گفتگو با عبدالمجید مجید فیاض و خاطرات او نشان دهنده انگیزه‌های گرایش جوانان به حزب توده در دهه ۱۳۲۰ بود. گفتگو با عبدالرضا نیک بین درباره جو اجتماعی مشهد در اواخر دهه ۱۳۲۰ و جریان دانش‌آموزی کانون نشر حقایق اسلامی در دهه ۱۳۳۰ کمک به این بررسی بود. از ناصر اشکیانی باید یاد کنم که مرا در این بررسی تشویق و در فراهم آوردن منابع یاری کرد. از دکتر فرخ درویش، مهندس عبدالحسین تنهائی و دکتر حسن افتخار که متن نخست این بررسی را خواندند و نکات مفیدی را یاد آور شدند سپاسگذاری می‌کنم. همچنین از همسرم زهره پرهیزگار که مرا در این بررسی شکایا و پشتیبان بود و از آرش ربیعی، گلناز برزگر و وحید برزگر که مرا یاری دادند تشکر می‌کنم.

علی برزگر